

## دریچه‌ای بر خلوت شهریار

در خلوت شهریار آقای بیوک نیک‌اندیش نوبر برداشته بود و در شماره ۱۴۵ کیهان فرهنگی مربوط به شهریور سال ۱۳۷۷ آقای حسین جعفری به طور کامل و واضح سرقت ادبی این مؤلف را نشان داده بود.

و حالا به قسمتهای مختلف کتابهای در خلوت شهریار و زندگی شهریار نظری می‌اندازیم تا برای خوانندگان محترم بهتر روشن شود. برای خلاصه شدن مطالب در این قسمت فقط به طور مختصر به برخی از عنوان گذاریهای نیک‌اندیش و سربازی اشاره می‌کنم: نیک‌اندیش: سیه چشمان شیرازی، در خلوت شهریار، جلد اول، ص ۹۴.

- سربازی: سیه چشمان شیرازی، زندگی شهریار، ص ۵۱.
- نیک‌اندیش: شهریار و ملک الشعراى بهار، ص ۷۹.
- سربازی: شهریار و ملک الشعراى بهار، ص ۶۱.
- نیک‌اندیش: شهریار و ایرج میرزا، ص ۵۲.
- سربازی: شهریار و ایرج میرزا، ص ۶۲.
- نیک‌اندیش: شهریار و عارف قزوینی، ص ۵۴.
- سربازی: شهریار و عارف قزوینی، ص ۶۳.
- نیک‌اندیش: شهریار و شهیار، ج ۳، ص ۵۲.
- سربازی: شهریار و شهیار، ص ۷۱.

\*\*\*

شمار این عناوین یکسان به پنجاه مورد می‌رسد! و همین نشان

بحث استفاده‌های غیرمجاز از آثار دیگران به نام خود، از زمانهای دور مورد توجه بسیاری از بزرگان و ادیبان ما بوده است و این پدیده شوم همچنان رواج دارد و به قول استاد بزرگوار زبان فارسی، مرحوم مجتبی مینوی:

عده‌ای به کمین نشسته‌اند که شخص مدتی رنج ببرد و کتابی بنویسد و آنها بدون هیچ زحمتی این کتاب را به نام خود کنند و با آن به نوایی برسند.

کتاب **زندگی شهریار** تألیف آقای مظفر سربازی در واقع کپی برابر اصل کتاب آقای بیوک نیک‌اندیش نوبر، مؤلف مجموعه کتابهای در خلوت شهریار سه جلدی و **خاطرات شهریار با دیگران** است.

اگر از روی دقت به کتاب آقای سربازی نظری بیندازیم بهتر درک می‌کنیم که فقط مقدمه کتاب و در آخر هم فقط منابع از خود مؤلف (آقای سربازی) است. بقیه و اکثر صفحات این کتاب برگرفته از کتاب **در خلوت شهریار** است.

آقای سربازی در این کتاب در بسیاری، موارد از نام آقای بیوک نیک‌اندیش که از دوستان بسیار نزدیک استاد فقید شهریار بوده و از خاطرات و از دست نوشته‌های وی استفاده کرده، به عنوان همراه شهریار نام برده و در جاهای دیگر هم خیلی کمرنگ از او اسم برده است. همانطوری که آقای کاویانپور مؤلف کتاب **زندگانی ادبی و اجتماعی شهریار** تمام مطالب خود را چند سال پیش از کتاب

## محمد تقی سبک دل



ثانیاً: نویسندگان کتب و مقالاتی که آثارشان به طریق غیرقانونی مورد استفاده قرار می‌گیرند به قدری بزرگوارند که از خیر شکایت می‌گذرند. اما روزی که کارهای استاد مینوی و همگان او به سرقت می‌رفت، اگر اندکی از بزرگواری خود می‌کاستند و با قاطعیت برخورد می‌نمودند، شاید امروز نوبت به نیک‌اندیش و دیگران نمی‌رسید.

ثالثاً: باید در اداراتی نظیر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در کنار ممیزیهای گوناگون، مجمعی از عالمان و نویسندگان معتبر وجود داشته باشند تا مانع نشر تألیفاتی از این دست شوند.

### منابع و مأخذ:

۱- در خلوت شهریار دوره سه جلدی، بیوک نیک‌اندیش نوبر، نشر آذران، سال ۱۳۷۷.

۲- دیوان استاد شهریار (کلیات)، چاپ هفتم ۱۳۶۶، انتشارات زرین و نگاه.

۳- کیهان فرهنگی شماره ۱۴۵، شهریور ۱۳۷۷، صص ۶۷ و ۶۸.

می‌دهد که کتاب آقای سربازی چیزی جز برداشت مستقیم از کتاب آقای نیک‌اندیش نیست!

اما سؤال اینجاست: آقای سربازی خودتان بهتر می‌دانید که آقای بیوک نیک‌اندیش چهل سال از عمر خودشان را در راه شهریار گذاشته و دارای چنین گنجینه پرافتخاری هستند و به قول ادیب دانشمند و بزرگوار جناب آقای دکتر منوچهر مرتضوی: در طول زندگی شهریار هیچ کس به اندازه آقای نیک‌اندیش به آن بزرگوار خدمت نکرده، امروز او نعمتی است که بوی شهریار را می‌دهد و خوی وی را تصویر می‌کند.

آیا در حق این مرد ظلم نیست که شما تمام خاطراتی که او چهل سال به صورت قطره قطره جمع کرده آن را یک شبه به نام خود کنی. به گمان من سه گروه در پیدایش و رواج این نوع حرکت‌های ضد ادبی و اخلاقی مقصرند.

اولاً: در جامعه ما مرجع و محکمه‌ای که پشتوانه محکم اجرایی داشته و کارش منحصر آ رسیدگی به این گونه موارد باشد (دادگاه مطبوعات) ظاهراً وجود ندارد و اگر هست فعال و کارآمد نیست.